

تقلب و حماقت در افغانستان

مقاله‌ی از کریس میسون منتشره در نشریه معتبر فارن پالیسی

سه شنبه ۲۳م سپتمبر ۲۰۱۴

برگردان به پارسی توسط دکتر کریم عاطفی

در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان مورخ ۱۴ جون تقلب کتلوی و گسترده‌ی صورت گرفته، و کیفیت بازرسی‌های متعاقب انتخاباتی هم "غیر قابل قبول" بوده و شواهدی از تقلب هدایت شده دولت افغانستان را در مقیاس تولید بیش از دو میلیون رای جعلی را نشان میدهد، که به طور کامل یک خرابکاری در حق اراده مردم افغانستان صورت گرفته است. این نتیجه‌گیری خلاصه یک گزارش مطبوعاتی است که هنوز منتشر نشده و جزئیات نتیجه تحقیق کامل و غیرجانبدارانه اتحادیه اروپا را از تمام جریان انتخابات افغانستان نشان میدهد. به استناد به منابع در کابل که آن گزارش را دیده اند، تهیه این گزارش در هفته گذشته به پایان رسید، اما فشارهای سیاسی تا کنون منجر به ویرایش سنگینش شده و از منتشر شدن آن جلوگیری کرده است. نتیجه‌گیری کلی اش این است: اشرف غنی در انتخابات پیروز نبوده است.

مرکز تحلیل نیروهای دریایی امریکا در ماه جولای، با توجه به وضعیت نفوس افغانستان و نتایج ۴۶ درصدی در مقابل ۳۲ درصدی در دور اول رای‌گیری، به این نتیجه رسید که از نظر محاسبه و تحلیلی ریاضی افزایش آراء و پیروزی برای غنی در دور دوم غیر ممکن بوده است، این تحلیل به اساس محاسبه توسط منابعی صورت گرفته که با این شیوه تجزیه و تحلیل آگاهی دارند. به گفته منابع آگاه در این گزارش خصوصی گفته شده که بررسی که توسط کارشناسان ارشد تجزیه و تحلیل آماری در ایالات متحده صورت گرفته و از هر مدل کامپیوتری شناخته شده که استفاده شده همه نشان داده اند که تنها یک نتیجه را میتوان از انتخابات افغانستان گرفت مبنی بر اینکه پیروزی غنی از نظر محاسبه علمی ریاضی غیر ممکن بوده است. به عبارت ساده، هیچ شک ریاضی و محاسبوی وجود ندارد که عبدالله

عبدالله برنده و پیروز انتخابات است. ارتکاب تقلب بر آراء مردم افغانستان این بار در مقیاس افسانوی بوده است. در سال ۲۰۰۹، عبدالله از دور دوم انتخابات در مقابل حامد کرزی رییس جمهور پیشین پس از دور اول که به شدت ناسالم بود با گرفتن این وعده صریح و روشن کنار رفت که برای وی یک فرصت عادلانه رقابت در انتخابات سال ۲۰۱۴ مساعد گردانیده خواهد شد.

در طول مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۴ او از سواً قصد ترور نافرجام به جانش موفق به فرار شد. این طالبان نبود که سعی به کشتن او داشتند؛ چو هیچ ادعای معمول از مسئولیت گرفتن این حمله از طرف مخالفین دولت به عهده گرفته نشد. در شب ۱۴ام جون ۲۰۱۴ بعد از بسته شدن همه محل های رای گیری اتحادیه اروپا با قیاس حداکثر گزارش داد که کمتر از شش میلیون افغان رای داده اند. در ظرف چند ساعت، کمیسیون دست نشانده کرزی یا کمیسیون مستقل انتخابات شروع به پرواز دادن ارقام مشارکت به هشت میلیون رای کرد، اضافه کردن بیش از دو میلیون رای در کل همه آنهم برای غنی. (رقم دو میلیونی فقط اتفاقی نبود، بر حسب تصادف محض فقط تعداد رای مورد نیاز برای غلبه بر شکاف آراء آورده شده ی صرفاً قومی با توجه به مشارکت ۳۰ درصدی بود.)

گزارش اتحادیه اروپا اشاره می کند که "روشهای حسابرسی و بازرسی" آراء بطور متناقض و با عجله در زیر فشار زیاد سیاسی مورد استفاده گرفت. بعد از کشف نوار صحبت های تلفونی ضیاء الحق رئیس کمیسیون مستقل انتخابات و هدایتش به پرکاری صندوق های رای در سراسر جنوب کشور وی به زودی استعفا داد. غنی در ابتدا ادعا کرد که او هرگز با او ملاقات نکرده بود، اما مبارزان انتخاباتی عبدالله اعلام کردند که تا به حال یک ویدیوی از نشست غنی با امرخیلی را در دسترس دارند که در خانه ای در کابل که متعلق به یک حامی غنی است صورت گرفته است. مردم افغانستان، به سهم خود، از مشاهده این همه سرخورده شده اند.

در این ناکامی مفتضح ماموریت کمک سازمان ملل متحد به افغانستان یوناما به طور مداوم پشتیبانی از تصمیم گیری کمیسیون مستقل انتخابات می کرد. شش دیپلمات خارجی در کابل که با ایشان صحبت خصوصی داشته ام پذیرفته اند که یوناما به وضوح به همکار تکنوکرات شان یعنی آقای غنی بیشتر علاقمند اند. نامگذاری بازرسی آراء بنام بازرسی صد د صدی توسط یوناما یک نامگذاری غلط بود. در هیچ صورتی "همه آراء" حسابرسی نشده است - تنها صندوق های بسته رای در نظر گرفته شده است. هر طرف دعوا فقط می توانستند جعبه های کامل و بسته را به چالش بگیرند و اکثریت بزرگی از این چالش ها توسط کمیسیون منصوب شده ای کرزی رد میشد. به اساس اظهارات چندین منبع که از جریان بازرسی نظارت داشتند، در واقع، کمتر از یک درصد کاغذ های آراء را بطور واقعی در طول روند بازرسی کسی لمس کرده است. ناظران عبدالله بازرسی را یک روند "کاذب" خوانده اند. یک مقام

آمریکایی که در میان ناظران ارشد حسابرسی بود به نیویورک تایمز گفت: "که بازرسی نتوانست تقلبی را که در مقیاس صنعتی در دور دوم انتخابات صورت گرفته بود کشف و شناسایی کند"، او افزود: "این سخت خواهد بود چون ما در گزارش خود ما این را خواهیم گفت اما گزارش نهایی ما برای مردم و عام منتشر نخواهد شد." "هیچ شکایتی در مورد تصمیم گیری های کمیسیون و یوناما از اردوگاه اشرف غنی به ثبت نرسیده است.

به ندرت چنین واقع میشود که زمین بلند اخلاقی و طرف مستحق چنین کاملاً واضح بوده باشد. در عوض گرفتن این زمین بلند اخلاقی و حمایت از خواست اکثریت مردم افغانستان، ایالات متحده دوباره راه آسانتر مصلحت جویی و ترمیم سریع این چالش را در پی گرفت. دیپلمات ها به جای حمایت از دموکراسی، توپ بازی را تا مدت چند هفته یا چند ماه دیگر با لگد زدند و پست عجیب و غریبی را که در قانون اساسی جا ندارد به نام مدیر ارشد اجرایی ایجاد و بزور یک حکومت ناکارآمد را به نام "حکومت وحدت ملی" تحمیل کردند. حکومت وحدت ملی یا حکومت ایتلافی، با این حال، بدترین نتیجه ممکن از چند لحاظ است. در بهترین حالت، این یک تفکر جادوگری است. تاریخ اخیر افغانستان متأسفانه مملو از نمونه هایی حکومت های مخرب ایتلافی است که همه شان در گذشته شکست خورده اند و از جمله چند تن از همان بازیگران امروز وارد عین صحنه شده اند. در این میان ایتلاف ها آخرین شان پیمان اسلام آباد و پیمان پیشاور است که با حضور عبدالله، عبدالرشید دوستم معاون رئیس جمهور غنی، عطا محمد نور رهبر تاجیکان، و تعداد دیگر که در هر دو اردوگاه حضور دارند منعقد شده بود. (غنی خودش در ۳۰ سال گذشته از وحشت افغانستان به دور نشسته در ایالات متحده، لبنان و اروپا بسر میبرده است).

این مداخله و سردرگمی بی اساس، قسمی که توسط پاول پیلارتحللیگر سیا نیز گفته شده، حتی از زیر نظر رهبران ارشد امریکا نیز گذشته است، آنهاییکه می دانند افغانستان فاقد محتوای اجتماعی لازم برای ساختن و کارایی چنین پیمان و ایتلاف های است. در واقع، هیچ حکومت ایتلافی در افغانستان تا به حال منجر به هیچ چیزی غیر از ترور، جنگ داخلی و از هم گسیختگی نشده است.

مشکل اصلی در اینجا غنی است، که شیفته اعتقادات خودش است که او به تنهایی می تواند افغانستان را نجات دهد. اگر غنی یک مرد محترمی می بود، بهترین راه برای او و حفظ منافع افغانستان پس از آشکار شدن مقیاس و ارتکاب تقلب به نام او، خارج شدنش از این روند می بود. وقتی که این اتفاق نمی افتد، ایالات متحده باید اتحادیه اروپا را تحت فشار قرار میداد که گزارش اصلی انتخابات خود را منتشر میکرد، از موقف بالای اخلاقی دفاع و از پیروز بودن ریاست جمهوری عبدالله اعلام حمایت میکرد. صرف نظر از اینکه خطای عبدالله من حیث یک رهبر که هرچه باشد - و هیچ کس ادعا نخواهد کرد که او کامل است - بهر حال او برنده حقیقی است. ایالات متحده آمریکا دموکراسی غربی را بر مردم افغانستان در سال ۲۰۰۲ تحمیل کرده اما تا حال سه بار آن را مجبور و واژگون ساخته است: در سال ۲۰۰۲ در لویه جرگه اضطراری از بازگشت ظاهر شاه جلوگیری کرد، و پس از آن دو بار اجازه داد که نتایج حاصله از دو انتخابات با تقلب گسترده در سال ۲۰۰۹ و در سال ۲۰۱۴ اعتبار بیابد.

از نظر عمل گرایی، انجام درست امور، قسمی که معمولاً چنین است، می توانست برای منافع بلند مدت استراتژیک آمریکا در منطقه بسیار بهتر باشد. غنی نه تنها انتخابات ریاست جمهوری را باخته است، بلکه او هیچ پایه حمایت استراتژیک مهم در افغانستان ندارد. پذیرش برآورد کمیسیون ناظر اروپا بر وجود شش میلیون رای مشروع، و مرکز تحلیلی قوای دریایی آمریکا که بیش از ۲,۷ میلیون افغان برای غنی رای نداده اند - که تقریباً همه آنها پشتون ها اند، با استفاده از معتبرترین آمار پشتون ها تقریباً ۴۲ درصد از جمعیت افغانستان را تشکیل میدهند، و در حدود ۸,۴ میلیون پشتون ها دارای سن رای دادن وجود دارد. این بدان معناست که غنی، در بهترین حالت، از حمایت تنها ۱۲ درصد از جمعیت افغانستان که سن رای دادن دارند - برخوردار است که تقریباً همه آنها از همان گروه های قومی است که طالبان به طور کامل متشکل از آن گروه قومی است. به عبارت دیگر، حمایت از غنی کمتر از میزان حمایت مردم از طالبان است. (سال گذشته یک پژوهش بنیاد آسیا نشان داد که یک سوم از مردم افغانستان همدردی با گروه های مخالف مسلح، در درجه اول با طالبان دارند.)

وقتی که در ماه ها و سال های آینده در افغانستان شرایط بدتر میشود- و چنین خواهد شد - ایالات متحده نیاز به گروهی از افغان های خواهد داشت که بتوانند نقش جنگجویان پیشمرگه کرد عراق امروز را خوب بازی کنند: یک گروه به خوبی سازمان یافته و قابل اعتماد باشد که نیروهای ویژه ما بتواند با آنها کار کند. وقتی طالبان بصورت غیرقابل اجتناب کنترل نیمه جنوبی کشور را پس از خروج نیروهای ایالات متحده بدست آوردند (جمعیت ارتش ملی افغانستان به اندازه ۱/۹ ام حصه ارتش جمهوری ویتنام جنوبی است، و چهار برابر بیشتر وسعت ارضی بزرگتر از ویتنام جنوبی را باید دفاع کند، در حالیکه اعتماد شان به دولت نسبت به آنچه که ارتش ویتنام جنوبی داشت کمتر است) ما نیاز به منطقه امن خواهیم داشت که از آنجا برای مقابله با طالبان کار کنیم و پرواز هواپیماهای بدون سرنشین را بر علیه پایگاه های تروریستی در شمال پاکستان و جنوب افغانستان براه بیاندازیم. در سال ۲۰۰۱ در افغانستان، این گروه اتحاد شمال دکتر عبدالله بود که در حال حاضر ۵۵ درصد از مردم افغانستان، تمام وزارت دفاع، و بیش از ۸۵ درصد از افسران اردوی ملی افغانستان در سطح فرماندهان گردان و بالاتر از آن، به گفته تحلیلگران ارشد دولت آمریکا که با من صحبت کرده اند، از دکتر عبدالله حمایت میکنند. پیشمرگه های آینده افغان ما قطعاً حامیان پشتون و پراکنده غنی که در جای های خطرناک و تقریباً غیر قابل دسترس جنوب افغانستان سکونت دارند نخواهند بود. حداکثر ظرف پنج سال آینده ایالات متحده بار دیگر نیاز به رفتن به پایگاه های امنی را خواهد داشت که از آن پیکار خود را با متحدش در افغانستان برای کنترل تروریست ها در منطقه آسیای جنوبی و مرکزی براه اندازد. همانطور که وینستون چرچیل یک بار اشاره کرد، "امریکا همیشه کار درست را انجام خواهد داد اما تنها پس از استفاده کردن از تمام گزینه های دیگر." ما فقط می توانیم امیدوار باشیم که ما به طور کامل متحدان حیاتی مان را تا آن زمان از خود بیگانه نساخته ایم.

کریس میسون مامور متقاعد وزارت امور خارجه که مسئول خدمات خارجی بوده و تجربه ای طولانی در افغانستان دارد. وی دارای دکترای در رشته تاریخ آسیای مرکزی از دانشگاه جورج واشنگتن از واشنگتن دی سی است.

رابط مقاله:

[http://southasia.foreignpolicy.com/posts/2014/09/23/fraud and folly in afghan
istan](http://southasia.foreignpolicy.com/posts/2014/09/23/fraud_and_folly_in_afghanistan)